

نگاهی به سایتها و وبلاگهای سکسی ایرانی

قصد بر این است که در این مقاله به سایتها و وبلاگهای ایرانی که مسائل جنسی و سکسی تم اصلی آنهاست، نگاهی بیندازیم. هدف این مقاله انتقاد منفی و دیدن عیب دیگران و خود را بی عیب جلوه دادن نیست. همینطور چشم پوشیدن بر مشکلات و موانع موجود پیش پا هم نیست. هدف فقط کمک به بهبود کاستی‌هاست و امیدواریم که دوستان دیگر هم بنوبه خود به اینگونه بحثها دامن بزنند. در یکی دوسال اخیر، تقریباً بطور روزانه بر تعداد سایتهای سکسی ایرانی در شبکه اینترنت افزوده میشود و عمدتاً در پرشین بلوگ، ولی به محض بو بردن مسئولین پرشین بلاگ سایت مربوطه را حذف میکنند و مسئول سایت هم سراغ بلاگهای دیگر میرود و سایت خود را در همانجا می‌گذارد، که کاری است شایسته.

تلاش گردانندگان سایتها و وبلاگهای ایرانی در هنجار شکنی و پرداختن به تابوترین مسئله فرهنگی ما، قابل تقدیر است و هر چند که ادبیات و گفتمانهای رسمی (چه حکومتی و چه غیر حکومتی) اجتماع

صحبت از آن را در "شان" خود نمی‌دانند اما تاثیر گفتمانهای مربوط به امور و مسائل جنسی را در همه جا و همه نیروها میتوان دید.

نقد، بحث و بررسی، تلاش برای یادگیری بهتر و بیشتر و در کنار آن آشنایی با شرایط محیط خودی، شناخت صحیح از مشکلات و موانع موجود و یافتن راههای بهتر برای فائق آمدن بر آنها و هدفمند و با برنامه حرکت کردن، از جمله راههای مؤثر برای تاثیر گذاری بهتر و بالا بردن بازده کار حساب میشوند. و این درست همان چیزی است که کمبود آن، متأسفانه، در اکثر سایتها و وبلاگهای سکسی ایرانی کاملاً مشهود است.

آزادی جنسی در غرب تاریخ (مبارزاتی) خود را دارد، این مبارزات زیر و بم‌هایی داشته، از مراحل گذشته و در نهایت تلاشگران آزادی جنسی با سازماندهی تشکیلاتی خود و پیوستن به شورشهای مختلف

اجتماعی دانشجویان، زنان، کارگران و دیگر اقشار مردم در اواخر دهه شصت میلادی، نیروی ائتلافی را برای تغییرات اجتماعی بوجود آوردند و همزمان با فشار به بالا برای ایجاد تغییرات، از روشنگری وسیعی

اجتماعی در عرصه امور جنسی هم غافل نبودند. یعنی نه تنها تغییر قوانین بلکه تغییر فرهنگ و شیوه نگاه خود مردم به سکس و مسائل جنسی هم جزئی از کارزار مبارزاتی آنان بوده و هست. تلاشگران آزادی جنسی در غرب در کنار مطالعه و تعمیق شناخت خود، سازمانها و تشکیلات خود را دارند، این تشکیلات برنامه و اهداف خود را تنظیم و برای تحقق برنامه‌های خود، آگاهانه حرکت میکنند، نه تنها در بحثهای اجتماعی شرکت میکنند بلکه با چاپ کتابها، مقالات و استفاده از تریبونهای موجود مثل روزنامه‌ها و مجلات عمومی، بحث راه می‌اندازند، سایت و مجله خاص خود را دارند و لوبی آنها در درون احزاب و گروههای سیاسی، کلیساها و کربدورهای دولتها فعالیت میکنند. در نتیجه همین تلاشهای آگاهانه و هدفمند است که می‌بینیم امروزه در هر کتابخانه و کتابفروشی در کشورهای غرب دهها و صدها کتاب درباره مسائل جنسی، بخصوص در عرصه آموزش و پرورش یافته میشوند، همچنین سازمانها و نهادهای مسئول اجتماعی، پزشکان، سکسولوگها، روانشناسان و غیره سایتها و مجلات آموزشی خود را دارند، انواع و اقسام مجلات در کشورهایشان چاپ میشود، انواع و اقسام کلینیکهای بهداشت، مشاوره و اطلاع دهی و غیره دارند، تو این وسط هم سایتهایی هستند که قبل از آنکه جنبه اجتماعی و آموزشی یا مبارزاتی مسئله برای کسب حقوق بیشتر مد نظرشان باشد، بیشتر به فکر تامین درآمد خود هستند و در کنار کلوبها و ساختن فیلهای پورنو، سایتهای

سکسی هم روی اینترنت دایر کرده‌اند که عمدتاً هم پولی هستند. ما ایرانیان هیچکدام از امکانات موجود در کشورهای آزاد را نداریم، ما این راه را تازه شروع کرده‌ایم. به همین سبب، برای رسیدن به آزادی و برابری جنسی، مطالعه و شناخت تجربیات کشورهای دیگر در این زمینه از ما جلوترند، و بکارگیری درست تجربیات دیگران در شرایط خودی خیلی مهم است. که

این باعث میشود که ضریب خطاهای ما کمتر شود و مشکلات رسیدن به هدف، کمتر. نگاهی به محتوای اکثر (و نه همه) سایتهای سکسی ایرانی نشان میدهد که گردانندگان این سایتها، متأسفانه، عمدتاً متأثر از "مظاهر" آزادی غرب یعنی بخش پورنوی "پولی" آن هستند و نه حتی بخش سکسی و جدی پورنوی غربی که در چند سال اخیر از "زیرزمینی" بودن در آمده است. مطالعه سایتهای مختلف ایرانی که سکس و مسائل جنسی تم اصلی آنهاست، نشان میدهد که مبحث جنسیت کماکان مبحثی ناشناخته و تازه است و از آنجا که جنسیت در فرهنگ ما در طول قرنهای با خرافات، شایعات، برداشتهای غلط و ... اغشته شده، متأسفانه خود دوستانی هم که هنجارشکنی کرده و به طرح این مسائل می‌پردازند، خود شناختی خیلی سطحی، ناقص و گاهی متناقض از سکس و مسائل و آزادی جنسی دارند.

ما این است که اینکار عمدی نیست، بلکه بیشتری ناشی‌گری و به دلیل کمبود اطلاعات است، برداشت

و اینکه خود دوستان مسئول این سایتها آنچنان اطلاعاتی که بخواهند با دیگران قسمت کنند، ندارند و بدتر از همه این دوستان برای دسترسی به اطلاعات هم چندان تلاشی بخرج نمی‌دهند. مسئولان وبلاگهای ایرانی زحمت شناخت فلسفه شکل‌گیری آزادی جنسی و پیشینه‌گفتاری که در غرب در این زمینه صورت گرفته را به خود نمیدهند و این یکی از اشکالات جدی ماست. اکثر وبلاگها سکسی ما کلاً جنبه آموزشی مسئله را فراموش کرده‌اند. مسئله دیگر اینکه خیلی از این سایتها و سایتهای

چارچوب و مسیر معینی را دنبال نمی‌کنند، مرتب زیگزآگ میزنند، هر چه اون روز حوصله کردند چاپ میکنند، به معانی لغات و نوشته‌های خود تامل لازم را بکار نمی‌برند، اصلاً معلوم نیست که چه چیزی و اگر میدانند که چه میخواهند، تعریف درستی از خواسته خود ندارند و چارچوب و حد و مرز میخواهند

نمی‌دانند؟ اگر دنبال آزادی جنسی هستند اما از روی دیگر سکه یعنی مسئولیتی که به همراه آزادی آن را

(جنسی) زاده میشود چیزی نمی‌گویند. اصلاً معلوم نیست چه تعریفی از آزادی جنسی دارند. بیماریهایی که از طریق روابط جنسی منتقل میشوند، از جمله ایدز را کلاً فراموش کرده‌اند و به این ترتیب در معرفی بهداشت جنسی که لازمه آزادی جنسی است، کارنامه‌ای برای ارائه کردن ندارند. از بحثهای مربوط به اروتیک و پورنوگرافی، تشابهات و اختلاف این دو صحبتی در میان نیست. مفهوم اصطلاحات و کلماتی که بکار می‌برند و یا پند و اندرزی که میدهند، دقت کافی بخرج نداده و در

سطحی از کنار مسائل می‌گذرند.

از کنار موانع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آزادی جنسی بسادگی گذشته و هیچ تلاشی برای افشا آنها بکار نمی‌برند، نبود فرهنگ آزادی جنسی در بین مردم و حتی بسیاری از مخاطبان خود را با سکوت میکنند و از انتقاد از دیدگاههای زشت و کهنه می‌پرهیزند و بدتر از آن نه تنها از بازتولید و ادامه برگزار

باورهای کهنه ممانعت میکنند بلکه بعضی از نوشته‌های خودشان هم به همان باورهای کهنه اغشته

هستند. راههای رسیدن به آزادی جنسی، پیشنهادات و ابتکارات برای اقدامات عملی مناسب با شرایط را فراموش کرده‌اند و.....

تکرار میکنیم، قصد ما بی عیب و نقص دانستن سکاف نیست، همینطور قصد حمله و یا اهانت به این باز

دوستان هم نداریم، بلکه هدف برخورد با اشکالات است و نشان دادن پلشتیهایی است که دوستان و هموطنانی که قصد هنجار شکنی دارند، میبایست خود الگو باشند و از این زشتیها مبرا. چرا که کسی زحمت می کشد، خود را به دردسر می اندازد و حتی خطر میکند و با هنجار شکنی خود، (که برآستی که

لازمه این دوران است) تلاش دارد که به باز شدن مبحث جنسیت در ایران کمک کند، توقع می رود که خود شناخت درستی از آزادی جنسی و چارچوب آن و مسئولیتی که لازمه آزادی جنسی است و روی دیگر سکه آن حساب میشود، داشته باشند.

آزادی جنسی چیز عجیب و غریبی نیست، انسان موجودی است که بدون آزادی دست و پایش محدود میشود و در نتیجه این محدودیت فشارها و ضررهای زیادی به خود و جامعه او وارد میشود. آزادی جنسی در چارچوب آزادی فرد و حقوق بشر (فرد) نهفته است. آزادی جنسی چارچوب دارد مهمتر از همه به همراه آزادی جنسی مسئولیتی زاده میشود که بدون آن، آزادی جنسی بی معناست.

و

آزادی جنسی، زن، مرد، دختر، پسر، این یا آن گرایش جنسی نمی شناسد، آزادی جنسی یعنی انسان بالغ و عاقل حق دارد با هر کس که خود و شریک جنسی اش مایل است، در همان چارچوب آزادی و حقوق فردی، هر نوع رابطه و سکسی که بخواهند داشته باشند. این نه به دولت ربط دارد، نه به خانواده و نه به اجتماع. دفاع از تنوع گرایشات و علائق مختلف در عرصه تمایلات و غرائز، از جمله وجوه آزادی جنسی است به این دلیل برخورد محترمانه و دفاع از دگرگونه بودن هم یکی از اصول آن حساب میشود. دوز و کلک، بچه بازی، متلک گفتن، زورگویی، اعتقاد به باکره بودن در شب عروسی (که معنایش یعنی دختر قبل از ازدواج نباید از جلو سکس داشته باشد)، تعصب و غیرت بی معنی به ناموس (بخوان محدود کردن آزادی دختران در خانواده) و امثال اینها همه هیچ همخوانی ای با آزادی جنسی ندارد. آگاهی به تمایل فردی، پذیرش مسئولیت، متمدنانه برخورد کردن، اجازة دخالت در حریم خصوصی به دیگران ندادن، حفظ حریم شخصی، عدم انتقال بیماریهای مقاربتی هم جز دیگر آزادی جنسی است. بدون وجود شهروندانی این چنین تربیت شده، امکان ندارد در یک کشور آزادی جنسی پا بگیرد.

در دورانی که کشور ما در التهاب و تب و تاب تغییرات سیاسی-اجتماعی است و فرهنگ سنتی با جدی مواجه شده، تلاشگران آزادی جنسی، میتوانند در معرفی این مسئله و شکل گیری فرهنگ بحران

جنسی مدرن و امروزی تاثیر بسزایی داشته باشند بشرطی که خود آن را خوب بشناسند و برای معرفی و جا افتادن آن در اجتماع با برنامه حرکت کنند. و گرنه بدون شناخت درست مسئله و پذیرش قوانین آن و وجود انسانهای آگاه نمیتوان به آزادی جنسی دست یافت.

با ناتوانی / ضعف جنسی در مردان آشنا شویم.

ناتوانی یا ضعف جنسی در مردان به این معناست که مرد توان نعوظ (شق / راست کردن - راست شدن) آلت جنسی (کیر) خود را نداشته باشد، یا اگر هم راست کند، شق بودن آلتش دوام چندانی ندارد، طوری که امکان انجام یک سکس کامل را از او میگیرد و قبل از انزال

آلت طرف میخوابد. همانطور که در شماره قبل در مطلب سردمزاجی زنان نوشتیم که سرد مزاجی زنان تنها مشکل زن نیست، ناتوانی جنسی مردان هم تنها مشکل مرد نیست، چون این مشکل روی زندگی هر دو طرف تاثیر دارد، به همین دلیل ارتباط عاطفی و صمیمیت و نزدیکی دو طرف به هم و تلاش مشترک برای حل آن بسیار ضروری است.

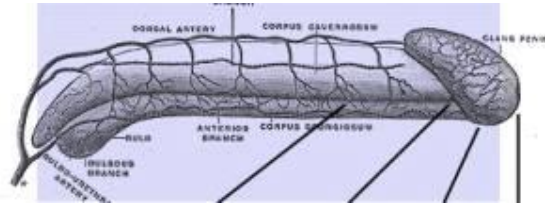
ضعف جنسی بیشتر همراه با بالا رفتن سن در مردان مشاهده میشود. گفته میشود که حدود ۲۵-۱۵ درصد مردان بالای سن ۶۵ مشکل شق کردن دارند، در حالی که تنها حدود ۵ درصد مردان چهل ساله دارای چنین مشکلی هستند. معمولی تر از همه اما این است که حدود ۵۰ درصد مردان در دوره‌ای از زندگی خود (عمدتاً بین ۷۰-۴۰ سالگی) با مشکل سیخ نشدن آلت خود روبرو میشوند.

ضعف جنسی شدت و حدت (و حتی زمان) متفاوت دارد و در همه افراد یکسان نیست؛ به این شکل که یکی ممکن است چند ماهی دچار این مشکل باشد و یا شدت شق شدن آلت در افراد مختلف فرق داشته باشد، اما کسی که بطور مرتب و پشت سر هم از شق کردن عاجز باشد را دارای ضعف / ناتوانی جنسی مزمن میدانند. برای درک بهتر مسئله، آشنایی با آناتومی و چگونگی راست شدن آلت مرد، ضروری است.

آناتومی آلت مردانه / پروسه شق شدن آلت

آلت (کیر) مرد دارای سه بخش است، ریشه (یا همان بن) که به بدن چسبیده، بدنه (میله یا استوانه بدنه) و سر .

بدنه آلت از سه بخش بافتهای نعوظ (که قابلیت شق شدن دارند) و سلیندرمانند هستند، تشکیل شده است؛ یعنی دو (بافت) سلیندر مانند به اسم (Corpora Cavernosa) که پشت و اطراف آلت قرار دارند و یک بافت اسفنجی که در زیر آلت واقع شده. مجرای ادرار (که خروج منی هم از آن صورت میگیرد) در همین بافت اسفنجی قرار دارد (بعداً میگوئیم که چرا؟). علاوه بر این در آلت مرد همچنین دو سرخرگ اصلی، چندین سیاهرگ و مقداری هم عصب وجود دارد. تمام اینها توسط لایه‌ای متشکل از سلولهایی از نوع سلولهای ماهیچه‌ها پوشیده شده و در آخر تمام آلت با یک پوست " کششی " پوشانده شده است.



گفتیم بافتهای نعوظ اسفنجی هستند یعنی دارای "غار" یا محفظه و دالانهایی هستند که در حالت عادی، خوابیده بودن آلت، تقریباً خالی از خون هستند اما هنگام حشری شدن مرد، دو سرخرگ آلت خون زیادی به این ناحیه میرسانند و این دالانها پر از خون شده، به شق شدن آلت منجر میشوند. همین شق شدن باعث وارد شدن فشار به سیاهرگها شده و از بازگشت خون به بدن از مجرای سیاهرگها جلوگیری بعمل می آید. (حتماً میدانید که سرخرگهای بدن خون پر از اکسیژن را از قلب به قسمتهای مختلف بدن میرسانند، و بعداً همین خون، ولی با اکسیژن خیلی کمتر، توسط سیاهرگها به قلب باز میگردد). البته یک نسج لیفی هم هست که در جلوگیری از بازگشت خون نقش دارد.

از سه بافت گفته شده، بخصوص دو سلیندر **Corpora Cavernosa** در شق شدن آلت خیلی مؤثرند. چون در بافت اسفنجی سومی سیاهرگها در سطح قرار دارند و رفت و برگشت خون در حالت شق بودن هم تقریباً عادی میماند، این بخصوص از این جهت اهمیت دارد که به مجرای ادرار و خروج منی که در همین بافت اسفنجی واقع شده اند هم فشاری وارد نمیشود و امکان خروج آب منی در سکس امکان پذیر است. البته مشاهده سیاهرگهای تقریباً متورم شده در حالت نعوظ کاملاً طبیعی است (بشرطی که هیچ درد و ناراحتی احساس نشود).

پروسه شق شدن آلت با یک تحریک روانی یا فیزیکی شروع میشود، این حس حشری شدن باعث میشود که عصبها به مغز خبر داده و پروسه ای شروع میشود که طی آن دو سرخ رگی که در آلت مرد هستند، خون زیادی به بافت شق (دو بافت سلیندری) ارسال میکنند که فشار خون در این ناحیه شدت میگیرد و باعث سفت و محکم شدن آلت مرد میگردد.

شرط ادامه این حالت شقی، این است که فشار خون در این قسمت پائین نیاید و در تمام طول هماغوشی تا پایان آن و انزال، آلت مرد همچنان شق شده باقی بماند.

البته ممکن است حالت شقی کم و زیاد شود ولی در کل و هنگام لزوم بهر حال آن شقی لازم را

داراست. بعد از انزال و پایان سکس، جریان رفت و بازگشت خون به این ناحیه حالت عادی و سابق خود را می‌یاد و آلت مرد هم به همان حالت خوابیده، باز می‌گردد.

اختلالات ممکن و ناتوانی جنسی؟

برای شق کردن، هماهنگی چهار چیز با هم نقش اساسی دارند: ۱- سیستم عصبها ۲- شریانها و رگهای خونرسان ۳- تعادل هورمونها در بدن و ۴- روان انسان. به همین دلیل ناتوانی جنسی در مردان علل زیادی میتواند داشته باشد و حتی ممکن است چندین علت و فاکتور دست بدست هم داده و مشکل ساز شوند.

- از مهمترین دلایل فیزیکی مثلاً میتوان به وجود اخلال و (بیماری) در شریانها و رگهای بدن اشاره کرد، از جمله تصلب شرایین (سفت و تنگ شدن شریانها)، ناراحتی کلیه، یا ناراحتی قلبی. همچنین فشار خون بالا، سکتۀ مغزی و دیابت (بیماری قند) هم در کاهش نیروی جنسی مؤثرند. - در مورد علل روانی میتوان به اختلاف و درگیری و عدم تفاهم بین مرد و همسر (یا دوست دختر)، حسادت، بی حال و حوصلگی عمومی، خستگی مفرط، ضعف اعتماد نفس، ترس، نگرانی، استرس، مایوس بودن، اضطراب و خیلی چیزهای دیگر اشاره کرد.

یکی از علائم ریشه روانی بودن ناتوانی جنسی میتواند این باشد که فرد صبحها وقتی از خواب بیدار میشود، آلتش شق شده است یا وقتی که در تنهایی به فانتزی خود فکر میکند، حالت نعوظ به او دست میدهد، اما هنگام هم‌اغوشی با مشکل شق کردن روبرو میشود. - استعمال الکحل، دخانیات و یکسری داروها هم در شق نشدن آلت تناسلی مؤثرند. تصلب شرایین (سفت و سخت شدن سرخرگها) باعث کاهش جریان خون در سراسر بدن می‌گردد. تصلب شرایین از جمله بعلت دیابت، استعمال دخانیات و فشارخون بالا ناشی میشود. کم خونی هم در ناتوانی جنسی مؤثر است.

درباره اختلالات هورمونی میتوان به کاهش تولید تستسترون اشاره کرد و در حدود ۵ درصد از افراد دارای ضعف جنسی همین کاهش تستسترون دلیل اصلی است. با اینهمه نسبت به بقیه موارد (۹۵درصد) ناچیز به نظر میرسد. در مورد تستسترون در شماره قبلی سکاف توضیح داده شده فقط اینجا اضافه کنیم که ناراحتی کلیه و کبد هم باعث کاهش تولید تستسترون میشود. صدمه دیدن ستون فقرات میتواند به عصبها که از همین مسیر می‌گذرند صدمه برساند و کار انتقال احساس (با مواد شیمیایی موثر در انتقال حس) بوسیله عصبها را دچار اخلال کند. کلاً هر صدمه‌ای در ناحیه لگن خاصره میتواند به عصبهای موثر در امر نعوظ آسیب وارد کرده و فرد را دچار مشکل شق کردن نمایند. همینطور سرطان پروستات یا وجود غده‌ای در انتهای روده بزرگ (مقعد)، یا در مثانه هم ممکن است به عصبها آسیب وارد کند.

یک مسئله دیگر اینکه اگر سیاهرگهای آلت دچار اشکالی شده و در هنگام شق کردن مرد، "چکه" کنند و باعث نشت خون به عقب (بدن) شوند، امکان ادامه حالت شقی بسیار مشکل میشود. و در آخر باید گفت که استعمال یکسری از داروها باعث ضعف و ناتوانی جنسی میشود.

درمان ناتوانی جنسی

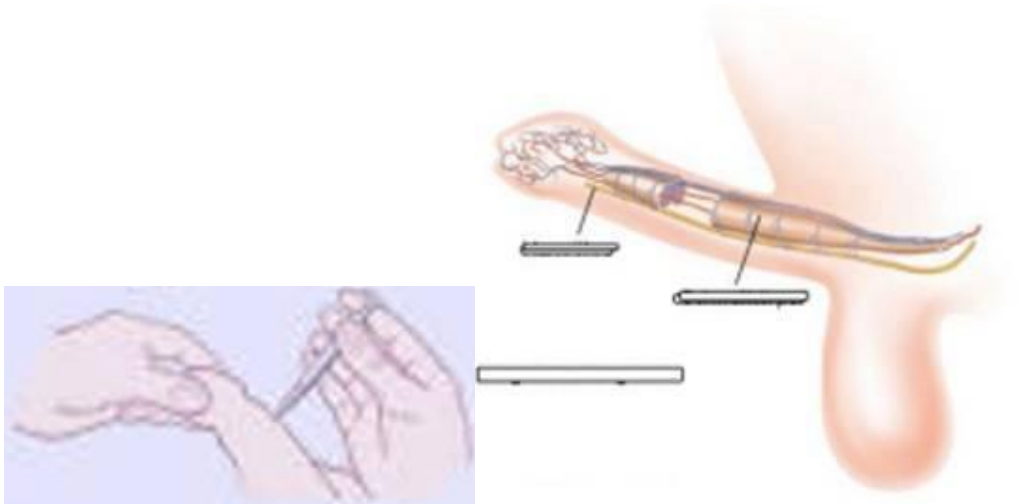
در کشورهایی که به مسائل و مشکلات جنسی مردم خود اهمیت می‌دهند، مراجعه به یک پزشک و چاره‌جویی مشکل ناتوانی جنسی، امری است عادی و امکانات زیادی هم در دسترس است اما در کشور ما نه تحقیقاتی در اینباره صورت گرفته، نه اطلاعاتی در اینباره به مردم داده میشود و نه مراکزی برای کمک به افرادی که دارای چنین مشکلی هستند، در نظر گرفته شده است، تابو بودن سکس و مسائل فرهنگی - اجتماعی را هم به اینها اضافه کنید آنوقت متوجه میشوید که چقدر مردم اجتماع ما در تنهایی خود و ناآگاهی جمعی، می‌سوزند. هرچند که اخیراً علائمی از شکل‌گیری چنین امکاناتی در کشور دیده شده ولی تا رسیدن به حد مطلوب راه درازی در

پیش داریم. با اینهمه بد نیست به چگونگی حل مشکل ناتوانی جنسی هم نظری گذرا داشته باشیم. وقتی مردی برای درمان ناتوانی جنسی خود به پزشک مراجعه میکند، اولین کاری که پزشک میکند این است که با پرس و جو از مراجعه کننده، سعی میکند به ریشه اصلی مشکل پی ببرد، چون آنوقت ارائه راه حل هم ساده میشود. مثلاً درباره روحیه فرد، رابطه اش با همسر، اختلافات احتمالی، همسو بودن تمایل مرد و زن در نوع سکسی که با هم دارند و... پرس جو میشود، علاوه بر آن در باره احتمال بیماریها، اینکه والدین بیمار آیا دارای ناراحتی قلبی یا بیماری قند یا... بوده اند که ممکن است فرد مراجعه کننده هم دارای همان مشکل باشد، بدون آنکه خود بداند. همینطور یکسری آزمایشات هم انجام میدهند از جمله گرفتن فشارخون، آزمایش ادرار، خون و تعیین سطح هورمونها، آزمایش تیروئید (غده تیروئید در تولید هورمونهای سکس مؤثر است)، معاینه پروستات، تزریق آمپولی حاوی موادی که باعث نعوظ فوری میشود به آلت و چندین و چند آزمایش دیگر. بعد بسته به نتیجه ای

دکتر از این سؤال و جوابها و آزمایشات میگیرد، راه حل هم ارائه میدهد که از جمله میتوان به اینها که

اشاره کرد:

- معرفی به یک سکسولوگ یا روانشناس یا یک متخصص مشاور خانواده
- تجویز قرص از جمله قرص ویاگرا. (قرصهای دیگری هم وارد بازار شده اند از جمله یوهیمین)
- تجویز قرصهای هورمونی.
- تجویز بکار گرفتن پمپهای مخصوص، یا سفارش استفاده از حلقههایی مخصوص بدور آلت، (در سؤال و جوابهای شماره قبل در اینبار بیشتر توضیح داده شده)،
- اگر مراجعه کننده سیگاری است و یا الکل زیاد استفاده میکند، سفارش به ترک آنها،
- گاهی ممکن است یک عمل جراحی روی رگها ضروری باشد،
- اگر مراجعه کننده فشار خون دارد، داروی مناسب داده میشود،
- اگر طرف بیماری دیابت یا مشکل کلیه داشته باشد، باز اقدامات لازم صورت میگیرد،
- همینطور ممکن است نسخه برای آمپولهای مخصوصی نوشته شود که مراجعه کننده خود قادر است چند ساعت قبل از هماغوشی به آلت خود تزریق کند و بدینوسیله مشکل نعوظ را برطرف کند. حدود ده دقیقه بعد از تزریق این آمپول آلت مرد شق میشود که بطور متوسط یک تا دو ساعت پایدار میماند.



بعد اومد بغلم، دست کردم و با ترس اونور لباسش رو هم آزاد کردم و دیدم که لباس قشنگ از رو بدن قشنگ و خوشگلش سر خورد پائین. و ایا قشنگترین لحظه زندگی ام بود. موهامو گرفت و سرمو هل داد رو پستوناش؛ و اونوقت بود که شیرین ترین لحظات زندگیمو مزه کردم؛ یه پنج دقیقه ای به همین حالت گذشت که یکهو دست کرد تو شلوارم و شروع کرد به ور رفتن با کیرم. بعد گفت وایستا!

شلوارمو درآورد، شرتمو پائین کشید و شروع کرد به ساک زدن کیرم؛ وای که چه حالی بود. الان هم که فکرشو میکنم، کیرم سیخ میشه. خلاصه دیگه از خودم بیخود شده بودم، که ناگهان آب کیرم زد بیرون و ریخت تو دهنش. خیلی خجالت کشیدم اما گفتش عیبی نداره، فقط باید مواظب باشی چون دفعه دیگه خطری است، منظورشو نفهمیدم ولی وقتی دست رو شرتش گذاشت فهمیدم.

بعد شرت صورتی خودشو درآورد و من که دیگه داشتم تو هوا پرواز میکردم، تو فیلمها دیده بودم که کس لیزی چطوری هست، پس شروع کردم اما هرکار میکردم اون ارضا نمی شد؛ گفت بکن توش! گفتم باکره نیستی؟ گفت بابا کیر مصنوعی از باکره گی درم آورده. فهمیدم طرف با تجربه است. پس سر کیرمو کردم تو؛ وای که چقدر شیرین بود. کاش هیچوقت تموم نمی شد، گفتم ز. جون میخواست عزیز، گفت بکن! بکن!

بعد که سکس ما تموم شد با هم دراز کشیدیم و بعد از نیم ساعتی هم با هم رفتیم حموم. اون روز هیچوقت یادم نمیره.

وقتی میخواستم برگردم خونه خودمون، گفتم ز. جون مامانت کجاست؟ گفت رفته حج.

این حج برای ما که خیلی خوش سعادت بود، نمیدونم واسه مامان ز. چطور.

بعد از اون روز دو بار دیگر هم با هم سکس داشتیم اما دیگه فرصت نشد. حالا رفته تهران و دوست دارم که اینو بخونه و با خاطره اش منو بیاد بیاره و اون لحظات شیرینی که با هم داشتیم.



یه جای خوب واسه....

مکان-خونه خالی - خرابه- انباری

سلام به تمام برویج باحال و با صفا.

بدون هیچ حاشیه ای میرم سر اصل مطلب. میخوام امروز از درد دو عاشق بگم و یه راه حل بدم. فکرش رو بکنید بعد کلی دردسر (شاید هم بی دردسر) یکی از جنس مخالف پیدا میکنی که درست همون چیزیه که میخواستی. یه دوست دختر / دوست پسر. میخوای با عشقت بری بیرون، بری قدم بزنی، با هم صحبت کنین، همدیگه رو بیشتر بشناسین، یا اینکه برین یه جای درست حسابی با هم عشق بازی بکنین. مگه میزارن؟ می خواین برین بیرون، نمیدونین کجا برین، هر

جا که برید با ترس و لرزه، میترسین بگیرنتون که اگه بگیرن کارتون تموم (حالا کاری به دردسر بگیر بگیرش نداریم). میخوای بری به جای خلوت از عشقت یه بوسه ناقابل بگیری ولی کجا؟ یا باید آنقدر منتظر بشی تا خونتون خالی بشه که یا خالی نمیشه یا اگه هم بشه باید قایمکی رفیقتو بری تو خونه که همسایه‌ها نفهمن، و آنقدر یواش کارتون رو بکنین که صدای جیغ و داد از خونه (مخصوصاً آپارتمانی) نره بیرون.

ما یه دردسر داریم و شما همجنسگراها هم یه دردسر، ولی تو حداقل میتونی با همجنست (عشقت) تو خیابون راه بری، دستشو بگیر، شوخی کنی و حتی جلوی در و همسایه ببری تو خونه! حتی اگه خونه‌تون هم خالی نباشه، میشه ببری تو اتاق و....

البته اونا هم دردسر دیگه‌ای دارن. تو این مملکت کی دردسر نداره؟ ها؟؟!! دوباره برمیگردیم سراغ دردسر آدمای غیر همجنسگرا یا بقول سکاف دگر جنسگرا. سکاف یاد داد که تو ماشین چجوری سکس داشته باشی. خوب شاید کسی ماشین نداشته باشه! اون باید چیکار کنه؟؟!!... بره تو انباری؟ زیر پله؟ پشت بوم خونه؟ توی پارک لای شمشادا؟ توی خوب؟؟!!

خوب من فکر میکنم بهترین جا وقتی که هیچ جایی نمونده، یه جایی است که بین کلی آدم نشستی، آره سینما!

خرجش به بلیطه، میری بلیط یه فیلم مسخره که بلیطش هم ارزون باشه(!) و هم تماشاچی‌اش کم، رو میگیری. بعد با عشقت میری بالای بالا میشینی که هیچکس حتی صداتونو هم نشنوه! دیگه راحت میتونین حرفاتون رو بزنین و با کمی دلهره حتی سکس هم میتونین داشته باشین. البته به راحتی آب خوردن میتونین از هم لب بگیرین، چون نه صدای زیادی داره و نه تحرک زیاد میخواد. آنقدر هم اونجا تاریکه که اگه طرفتون خجالتی باشه، میتونین برای بار اولی که میخواین از هم لب بگیرین برین سینما که زیاد از هم خجالت نکشین. چون تو اون تاریکی فقط نور پرده‌ی سینما تو چشمتون و شیرینی لبای عشقتون زیر لبهاتون حس میکنین.

پس تو که به دلیل خجالتی بودن یا نداشتن جا تا حالا مزه لب با لوپ سرخ شده رو نچشیدی، پاشو زنگ بزنی به عشقت که با هم برین سینما!..... برین بهترین فیلم زندگیتونو ببینین!!! خوب من دیگه نمیگم چجوری و از چه راهیهایی میشه تو سینما سکس داشت. دیگه این به سلیقه خودت بستگی داره.

راستش من خودم تا حالا با هیچکس و هیچ جایی سکس نداشتم. ولی یه بار تو سینما از دختر عمه‌ام یه لب گرفتم که تا عمر دارم یادم نمیره. (اون هم همون یه بار بهم لب داد! دیگه انگار نه انگار که با هم فامیلیم!!!)

یه چیز هم بگم، حالا که اطلاعات اخوندا این رو میخونن فوری میرن تو سینماها و به جوونا بند میدن! آدم توش می‌مونه که به اینا چی بگه! جوجه سکافی = محسن باحاله.